

## علم، برتری، قدرت و عصمت امام علی علیه السلام از نگاه یاران با محوریت کتاب الارشاد شیخ مفید (ره)

زهرا یوسفیان<sup>۱</sup>

### چکیده

با توجه به دیدگاه امروز کلامی شیعه در محور علم، برتری، قدرت و عصمت امام علی علیه السلام این نوشته درصدد بررسی این چهار ویژگی از دیدگاه یاران امام علی علیه السلام با تکیه بر کتاب الارشاد شیخ مفید است. پرسش مقاله حاضر این است که یاران امام علی علیه السلام در موضوع علم، برتری، عصمت و قدرت امیرالمؤمنان چه رویکردی داشته و جایگاه امام را در این چهار امر چگونه می دیدند؟ روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و با بهره گیری از نرم افزارها است و نیز روش تحقیق مقاله تاریخی - تحلیلی است. با توجه به گزارشات تاریخی کتاب الارشاد شیخ مفید، اصحاب امیرالمؤمنان علیه السلام به عنوان شیعیان اولیه تلاش داشتند با ذکر ویژگی هایی از امام، از جمله ارزش و جایگاه علمی امام علی علیه السلام، فضایل، مناقب، داوری ها و معجزات، امامت و رهبری ایشان را در سطح جامعه برای مردم بیان کرده و ایشان را شایسته ترین فرد برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رحلت ایشان معرفی کنند.

**واژه های کلیدی:** امام علی علیه السلام، علم، برتری، قدرت، عصمت، کتاب الارشاد.

## تبیین مسئله

مسئله امامت و ویژگی‌های رهبری امت، از جمله مباحثی است که در سال‌های اخیر بیشتر به آن توجه شده است. در این میان، بررسی دیدگاه اولیه شیعیان درباره امامت، حساسیت و اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا امامت اصلی‌ترین تمایز محور شیعه از دیگر فرق اسلامی است. این گونه تحقیقات، افزون بر آنکه با اصالت و اعتبار باورهای کنونی به گونه‌ای مرتبط است، نقد و بازخوانی دوباره‌ای درباره باورهای شیعیان گذشته نیز دارد. مباحثی مانند عصمت، علم غیب امام علی علیه السلام و مانند آن، از مهم‌ترین موضوعاتی است که در برخی جوامع مطرح می‌شود و برخی به تفاوت دیدگاه‌های شیعیان نخستین با دیدگاه شیعیان در عصرهای بعدی اشاره می‌کنند.

پژوهش حاضر شامل باور یاران امام علی علیه السلام و دیدگاه اصحاب درباره امام در عصر ایشان با تکیه بر کتاب الارشاد شیخ مفید است و به بررسی دیدگاه اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام درباره چند ویژگی اساسی امامت در تفکر شیعی، علم و آگاهی، عصمت، نص و جانشینی، قدرت و جایگاه فضیلتی و برتری امام بر دیگران می‌پردازد. این دوره، به دلیل آغاز آن، که اولین دوره تمایز شیعه به شمار می‌آید، مهم‌تر از دوره‌های دیگر است و ویژگی خاصی دارد. بنابراین، بررسی آن می‌تواند تا حد زیادی دیدگاه صحیح را در مسئله ترسیم کند. این نوشتار درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که جایگاه علمی امام علی علیه السلام و آگاهی ایشان در نظر اصحاب چگونه بوده است؟ جایگاه فضیلتی و برتری امام از نگاه یاران در چه مواردی توصیف شده است؟ یاران امام با نگاه مخالف موارد خاص چه واکنشی از خود نشان می‌دادند و چه رویکردی به جایگاه عصمت امام داشته‌اند؟

این نکته قابل ذکر است که بررسی مسائل یادشده با تکیه بر گزارش‌های جلد اول کتاب الارشاد شیخ مفید است. در مورد پیشینه مقاله گفتنی است درباره جایگاه و دیگر ابعاد زندگی امام علی علیه السلام کتاب‌ها و مقالات گوناگونی نوشته شده است؛ ولی در مورد موضوع این نوشتار، یعنی «علم، برتری، قدرت و عصمت امام علی علیه السلام از نگاه یاران»، مقاله یا پژوهشی یافت نشد.

## ۱. معرفی اجمالی شیخ مفید و کتاب الارشاد

### ۱.۱. شیخ مفید

شیخ مفید از دانشمندان شیعی بود که در سال ۳۳۶ هجری قمری در قریه‌ای به نام عکبری (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹۹-۴۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۸؛ حمویی، بی تا، ج ۴، ص ۱۴۲) به دنیا آمد. پدر او در شهر واسط معلم بود؛ از این رو، به او ابن المعلم می‌گفتند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۶۸؛ خطیب بغدادی، بی تا، ج ۳، ص ۴۶۶). شیخ مفید با پدرش به شهر بغداد رهسپار و در آنجا مشغول به تحصیل شد و در همه زمینه‌های علمی آن روز برجسته و زبردست شد (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۲۵۲؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۸). در مکتب درس او، دانشمندان بزرگ آن زمان حضور می‌یافتند.

مهم‌ترین ویژگی علمی شیخ مفید، روش عقلانی او است. وی از جمودگرایی و عدم تعمق اهل حدیث به شدت انتقاد می‌کرد. شیخ مفید در کتاب *الافصاح فی الامامة* (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲-۳۰) و *الارشاد* این روش را به کار برده است (ر.ک: نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹۹-۴۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲-۳۰؛ حلی، ۱۳۹۲ق، ص ۱۳۸). ویژگی رفتاری و اخلاقی او این گونه نقل شده است: از نظر جسمی، فردی ضعیف الجثه و با اراده قوی بود. او بسیار بخشنده، باتواضع و فروتن بود. تیزهوش و حاضر جواب بود و در مناظرات خوب سخن می‌گفت. با دشمن و مخالف خود به خوبی رفتار می‌کرد و در برابر آنان صبور بود (مفید، بی تا، ص ۸). مترجم کتاب *الارشاد* نام ۶۱ تن از استادان و مشایخ شیخ مفید را که بسیاری از آنان از دانشمندان شیعه و اهل سنت بودند و شیخ از آنان روایت نقل کرده، در مقدمه آورده است. شیخ مفید شاگردانی برجسته همچون نجاشی، سید رضی و سید مرتضی داشت (ر.ک: همان، ص ۳۰-۳۶) و در زمینه‌های گوناگون علمی کتاب نگاشته است. نجاشی در کتاب خود ۱۷۰ کتاب از او نام می‌برد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹۹) و نویسنده *لسان المیزان* تألیفات او را دویست کتاب می‌داند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۶۸).

### ۲.۱. سبب تألیف و رویکرد

شیخ مفید انگیزه تألیف کتاب *الارشاد* را پاسخ به تقاضای فردی تألیف کرده است که می‌خواست درباره زندگی امامان، اثبات امامت آنان، نام، مدت عمر، فرزندان و دیگر مباحث پیرامون ائمه مطالبی



بداند و از جریان زندگی آنان آگاهی لازم را به دست آورد و میان اظهارنظرها و عقاید گوناگون درباره آنان، بهترین را برگزیند و مطالب شبهه ناک و نادرست را از حقایق تشخیص دهد. شایان ذکر است کتاب *الارشاد* نخستین کتاب جامع یک نویسنده شیعی است که در مورد همه امامان معصوم مباحثی را مطرح کرده است. نویسنده کتاب با رویکرد حدیثی - تاریخی گزارش‌ها را دنبال کرده و در بحث اثبات امامت امامان دوازده‌گانه رویکرد کلامی - تاریخی را نیز پیگیری کرده است. نام کامل کتاب، «*الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*» است و دو جلد و دوازده باب دارد و هر باب آن نیز دارای چند فصل است.

### ۳.۱. دیدگاه‌ها در مورد شیخ مفید

در مورد شیخ مفید دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. ابن ندیم می‌نویسد: «من خود ابن معلم را دیده‌ام. او سرآمد اقران بود و ریاست متکلمان شیعه را به عهده داشت و در علم کلام پیشرو و بر همه مقدم بود و دارای دقت نظر و حاضرالذهن بود» (ابن ندیم، ۱۳۸۱، ص ۲۵۲). به گفته ذهبی شیخ مفید مردی بسیار زاهد و باخشوع و حریص در فراگرفتن علم و دانش بود و گروه زیادی از دانشمندان از علم او بهره می‌بردند. کتابی از کتاب‌های مخالفان نگذاشت، مگر آن را حفظ کرد؛ به همین دلیل، توانست شبهات آنان را حل کند و پاسخ دهد (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۳۴۴). شیخ مفید گاه در مسائل علمی چنان با صراحت و زیرکی با دانشمندان اهل سنت برخورد می‌کرد که برخی از مخالفان همچون ابن نقیب نگاه خوبی به او نداشتند و او را رئیس گمراهان می‌دانستند و برای او آرزوی مرگ می‌کردند. گفته شد زمانی که خبر مرگ شیخ مفید به او رسید، سجده طولانی کرد و به یاران خود گفت: «اکنون که مرگ شیخ مفید را دیدم، دیگر مرگ بر من دشوار نیست» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۸۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ق، ص ۲۲). شیخ طوسی در کتاب *الخلاف* می‌نویسد: «فضل و کمال در او تمام است و همه دانشمندان بر برتری، عدالت، فقه، ثقه بودن و بزرگی او متفق‌القولند» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹).

### ۲. دیدگاه یاران امام علی علیه السلام در مورد علم امام

در این قسمت از نوشتار به دنبال نگاه‌های ویژه یاران امام علی علیه السلام هستیم که اندیشه خاصی به علم و آگاهی امام داشتند و می‌کوشیدند با نقل روایات، جایگاه برتری علمی امام را بر دیگر صحابی

رسول خدا ﷺ اثبات کنند. این گزارش‌ها اسناد و مدارکی هستند که نشان جریان و نگاه ویژه به امیرالمؤمنین پس از رحلت پیامبر ﷺ است و این مطلب را به ذهن تداعی می‌کند که از همان زمان این نگاه خاص ایجاد و به یک باور اعتقادی تبدیل شده بود. البته کمتر فرد آشنا با سنت پیامبر ﷺ را می‌توان یافت که در عظمت مقام علمی امام علی (ع) تردید داشته باشد. احادیثی مانند «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا وَهَلْ تُدْخَلُ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا» و «عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا أَلْفَ بَابٍ يُفْتَحُ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ» (مفید، بی تا، ج ۱، ص ۲۹؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۱۰۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۹۷؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ش، ص ۳۳؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۲۴۳) از روایات متواترند که در مورد حضرت علی (ع) از زبان رسول خدا ﷺ نقل شده است.

## ۱-۲. نمونه‌ها

از جمله موارد یادشده در کتاب *الارشاد* در مورد علم برتر امام، خبر دادن ایشان از مرگ خود است (مفید، بی تا، ص ۱۲) و گزارش دیگر که از اصبع بن نباته نقل شده است، عبارت است از: زمانی که مردم با امام علی (ع) بیعت می‌کردند و ابن ملجم نیز با امام بیعت کرد، امام با تمسک به شعری، خبر از مرگ خود داد (همان، ج ۱، ص ۱۰). نیز مسئله برتری علمی امام را از دیگر یار امام که خود به عنوان یک فرد عالم در میان مردم مطرح بود، نظاره‌گیریم: ابن عباس از پیامبر ﷺ روایتی در این باره نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: «علی بن ابی طالب دانشمندترین امت من است و در آنچه پس از من اختلاف کنند، دانایتر از همه آنها در داوری کردن است». این جایگاه برتر علم امام در احادیثی از زبان ابی سعید خدری، عبدالله بن مسعود و اصبع بن نباته نیز نقل شده است (همان، ص ۲۹). خطبه‌ها و سخنان امام علی (ع) نیز در ابعاد مختلف در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، خود گواه بر این جایگاه ویژه علمی امام است.

صالح بن کیسان - از یاران امام علی - روایتی در مورد سخنان امام در معرفت الهی و امر کردن مردم به شناسایی خدای سبحان نقل می‌کند (همان، ص ۲۱۶-۲۱۸). همچنین گفت‌وگوی امام با کمیل در مورد علم و دانش و ستایش دانشمندان، فضیلت فراگیری علم و تعلیم حکمت مؤید این مطلب است. کمیل بن زیاد مسئله برتری علمی امام را از زبان ایشان در گزارشی نقل کرده است - در حالی

که با دست به سینه خود اشاره می‌کردند- فرمودند: ای کاش کسانی را به چنگ می‌آوردم که آن را فرا گیرند (همان، ص ۲۲۰-۲۲۴). روایت حسن بن ابی‌الحسن بصری از امام علی علیه السلام، زمانی که از جنگ صفین بازمی‌گشتند و فردی در مورد قضا و قدر الهی در مورد این جنگ پرسیده بودند و امام پاسخ زیبایی به او دادند، نمونه دیگری از جایگاه علمی را از منظر یاران امام بیان می‌کند (همان، ص ۲۱۸). آگاهی امیرمؤمنان از امور پنهان، برای اصحاب خاص ایشان مانند سلمان، ابوذر، اصبع بن نباته، میثم تمار، حبیب بن مظاهر و رشید هجری امری ناشناخته و مخفی نبود و برخی از یاران به این مسئله مهم اشاره کرده‌اند.

در نقلی آمده است که اصبع بن نباته و دیگر اصحاب، امام را بارها دیده بودند که به افراد، از زمان، چگونگی و سبب مرگ آنان خبر می‌داد. آگاهی دادن امام علی علیه السلام از چگونگی مرگ برخی از یارانش همچون جویریة بن مسهر، میثم تمار (همان، ص ۳۲۳)، رشید هجری (همان، ص ۳۲۷)، کمیل (همان، ص ۳۲۸) و قنبر<sup>۱</sup> (همان، ص ۳۳۰) از جمله این موارد است و نگاه خاص آنان و یقین به درستی خبر، گویای نگاه اعتقادی آنان به این مسئله است. نیز گزارش جویریة بن مسهر در راه صفین، زمانی که به اطراف کربلا رسیدند و خبر امام علی علیه السلام از رخداد در این منطقه و گریه آن حضرت، نشان از این نگاه خاص جویریة به علم و آگاهی فراتر از دیگر یاران امام است (همان، ص ۳۳۳).

تجلی علم خاص امام در ابعاد دیگر همچون عرصه سیاسی از زبان یارانش نیز از موارد دیگر بعد معرفتی جایگاه امام در منظر یارانش همچون سلمة بن کهیل (همان، ص ۲۴۴)، ابن عباس در رحبه و افسوس او از باز ایستادن امام از سخن گفتن (همان، ص ۲۸۳) است. خزیمة بن ثابت امام علی علیه السلام را آگاه‌ترین فرد به کتاب و سنت و داناترین مردمان به خدا می‌دانست (همان، ص ۲۸).

حارث الاعور از دیگر یاران امام روایتی را درباره جایگاه دانشمندان و ادب شاگردان از امیرالمؤمنین نقل می‌کند (همان، ص ۲۲۴). همچنین سخنان آن حضرت در تعریف از یاران برگزیده رسول خدا صلی الله علیه و آله و اوصاف انسان‌های زاهد از جمله این موارد است که صعصعة بن صوحان آن را روایت کرده است (همان، ص ۲۳۰). بیان جایگاه اعلی و فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله از زبان

۱. غلام امام.

سلمان، مقداد، ابوذر و عمار در کتاب های دیگر نویسندگان شیعی همچون الامالی شیخ صدوق نیز به فراوانی نقل شده است (صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳، ۴۳۷ و ۶۴۲). این گونه روایات گواه این مطلب است که یاران نزدیک امام علی علیه السلام ویژگی آگاهی برتر و اعلمیت ایشان را برای دیگران بازگو کرده و دیگر افراد را به این سمت و سو سوق می دادند که یکی از ویژگی های رهبری جامعه اسلامی این است که فرد جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله باید از نظر علمی در جایگاه بلندی از علم و معرفت باشد تا بتواند مردم مسلمان را به سوی کمال راهنمایی و هدایت کند.

## ۲-۲. دیدگاه های مخالف موارد خاص علم امام

عظمت علمی امیرالمؤمنین در میان اصحاب و حتی مسلمانان کمتر قابل انکار بوده است، ولی آنچه بیشتر قابل بحث و چالش برانگیز بوده، علم امام به اموری است که به طور عادی از دیگران پنهان است. آگاهی از امور پنهان در اصل از آن خداوند متعال است و او به هر کس که شایستگی آن را داشته باشد و به هر اندازه صلاح بداند، عنایت می فرماید.

در روایتی آمده است که امیرمؤمنان علیه السلام در موردی از حوادث آینده خبر داد. یکی از افراد با تعجب به امام عرض کرد: به شما علم غیب داده شده است؟ امام فرمود: این علم غیب نیست؛ بلکه علمی است که از فردی صاحب علم آموخته شده است. امام در ادامه با تلاوت آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾** (لقمان: ۳۴)، علم به زمان رخ دادن قیامت، آگاهی از جنین درون رحم، بهشتی یا جهنمی بودن افراد و آنچه را در آیه فوق آمده است، علم غیب معرفی کرده و سایر موارد را علمی دانستند که خداوند به پیامبر خود تعلیم و پیامبر نیز به ایشان آموخته است.

نکته درخور توجه در این حدیث شریف، این است که امام علی علیه السلام علم به امور پنهان را که از طریق فراگیری از رسول خدا صلی الله علیه و آله به دست آورده است، علم غیب نمی نامند. البته در میان عموم مسلمانان چنین دیدگاهی در مورد آگاهی به برخی امور پنهان وجود نداشت و گاه افرادی مانند ابن عباس نیز دچار شک و تردید در این ارتباط می شدند. برای مثال هنگامی که امیرالمؤمنین در منزل ذی قار برای بیعت کردن نشسته بودند، فرمودند: از سمت کوفه هزار مرد بدون کم و زیاد می آیند و به شرط جان با

من بیعت می‌کنند. امام از آمدن هزار نفر - نه یک نفر کمتر و نه یک نفر بیشتر - برای بیعت خبر داد. شیخ مفید از ابن عباس نقل می‌کند که می‌گوید: «مضطرب شدم که نکند تعداد افراد کمتر یا بیشتر شود و سخن امام نادرست باشد. من همچنان نگران بودم و مشغول شمردن افراد بودم و...» و نگرانی او با آمدن آخرین نفر که کسی جز او ایس قرنی نبود، برطرف شد (مفید، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۶) و گزارش جندب بن عبدالله ازدی از آگاهی خاص امام در نبرد با خوارج و برطرف شدن شک و تردیدش درباره امام، نمونه دیگری در مورد علم خاص امام است (همان، ص ۳۱۸).

نیز یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام به نام مزرع بن عبدالله یکی از پیش‌گویی‌های امام را به یکی دیگر از یاران به نام ابوالعالیه بیان کرد. ابوالعالیه با تعجب پرسید: غیب‌گویی می‌کنی؟ مزرع با اطمینان بر درستی خبر تأکید کرد و خبر شهادت خود را نیز بر آن افزود و گفت: امیرمؤمنان این خبر را به او داده است و بدون شک این امر واقع می‌شود. ابوالعالیه با تعجب تکرار کرد: از عالم غیب خبر می‌دهی؟ مزرع در برابر تردید دوستش، بار دیگر تأکید کرد که کسی این خبر را به او داده است که راستگو و مورد اعتماد است. پیش‌گویی‌های امیرمؤمنان محقق شد و مزرع همان گونه که گفته بود، به شهادت رسید (همان، ص ۳۲۸).

این گزارش نشان می‌دهد که برای برخی از اصحاب، مانند مزرع بن عبدالله، علم امام به امور پنهان کاملاً پذیرفته شده بود؛ در حالی که برای برخی پذیرش این اخبار دشوار بود. بنابراین، می‌توان گفت با توجه به خبرهای پی‌درپی امیرالمؤمنین علیه السلام درباره امور پنهان، بسیاری از اصحاب نزدیک و خاص ایشان، امام را آگاه از این امور می‌دانستند؛ هر چند غریب و شگفت بودن این امر گاهی موجب تعجب یا تردید برخی می‌شد.

### ۳. فضیلت و برتر بودن امام علی علیه السلام در نگاه یاران

#### ۱-۳. برتری امام در اسلام آوردن

یکی از مسائل مهم در میان مسلمانان آن زمان پیشی گرفتن در اسلام آوردن بود و کسانی که در این امر بزرگ بر دیگران سبقت گرفته بودند، به آن افتخار می‌کردند. این مطلب را که اولین فردی که اسلام آورد، امیرالمؤمنین علیه السلام بود، برخی از یاران حضرت نقل و دیگر افراد به آن اشاره کردند و یکی





از موارد برتری ایشان بر دیگر صحابی برمی‌شمردند. برای نمونه یحیی بن عقیف ابن قیس از قول پدرش و انس بن مالک به آن اشاره می‌کنند (همان، ص ۲۵). همچنین زمانی که ابی‌سخیله در مورد اوضاع اسلام و سرگردانی و اختلاف مردم از ابوذر سؤال می‌کند و اینکه تو در این باره چه می‌اندیشی؟ ابوذر به چند نکته اساسی و ظریف در مورد خاص امام اشاره می‌کند و می‌گوید: به کتاب خدا و علی بن ابی‌طالب چنگ بزن و ملازم آن دو باش. من گواهی می‌دهم که رسول خدا ﷺ فرمود: علی (ع) نخستین کسی است که به من ایمان آورد و اولین فردی است که در قیامت به من دست می‌دهد و اوست صدیق اکبر و جداکننده حق از باطل و او پناهگاه مؤمنان است (همان، ص ۲۷). خزیمه بن ثابت انصاری، ملقب به ذوالشهادتین، از جمله یاران نزدیک امام نیز در قالب شعر به چند نکته مهم در مورد ویژگی‌های امام به ویژه سبقت ایشان در اسلام آوردن اشاره کرده است (همان، ص ۲۸).

روایتی دیگری در این باره از ابوسعید خدری نقل شده که رسول خدا ﷺ در پاسخ شکایت حضرت زهرا (ع) از سرزنش قریش در مورد فقر حضرت علی (ع) فرمودند: «ای فاطمه آیا خشنود نیستی من تو را به همسری کسی درآوردم که حلمش بالاتر از همه و دانشش بیشتر از ایشان و در اسلامش پیشگام تر از دیگران بود. فاطمه (ع) خندید و خوشحال شد و پیامبر (ع) در ادامه به هشت ویژگی مهم دیگر امام علی (ع) که به هیچ یک از پیشینیان و آیندگان مانند او داده نشده، اشاره کرد؛ ویژگی‌هایی چون برادری او با پیامبر، همسری فاطمه (ع)، دارای دو زاده رحمت بودن، وصایت پیامبر و وراثت از همه اوصیا (همان، ج ۱، ص ۳۱).

همچنین محمد بن ایمن از ابی‌حازم، غلام ابن‌عباس، نقل می‌کند رسول خدا به امام علی (ع) فرمودند: «با تو به دشمنی و پیکار برخیزند و تو با هفت خصلت بر آنان پیروز شوی که هیچ کس دارای آن ویژگی‌ها نیست: تو نخستین ایمان‌آوردگان در ایمان هستی و در پیکار و جهاد از همه برتری» (همان، ص ۳۲). این فضیلت خاص در روایات دیگر اصحاب پیامبر به روشنی دیده می‌شود. انس بن مالک، خدمتگذار رسول خدا ﷺ، روایت می‌کند: آبی برای وضوی پیامبر تهیه کردم، به من فرمود: اکنون از این در فردی بر تو وارد می‌شود که امیرالمؤمنین و بهترین اوصیا است. کسی که در اسلام بر دیگران پیشی گرفته و دانشش بر همه فزون‌تر و بردباریش از دیگران بیشتر است (همان، ص ۳۹). این نوع گزارش‌ها گویای این مطلب است که از جمله تلاش یاران نزدیک امام علی (ع) این بود

که ویژگی‌های خاص حضرت را در زمینه‌های گوناگون همچون سبقت در گرویدن به اسلام برای دیگران بازگو و یادآور شوند و بدیهی است چنین فردی شایستگی جانشینی رسول خدا ﷺ را دارد.

### ۲-۳. محبت و دوستی با علی علیه السلام

یکی از نکات مهم در مورد امام علی علیه السلام بحث محبت و دشمنی به ایشان بود که برخی یاران امام بر آن تأکید داشتند و از رسول خدا ﷺ در این ویژگی خاص احادیثی را نقل می‌کردند. در روایتی از زر بن حبیش آمده است که امام علی بر بالای منبر در کوفه فرمودند: سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را آفرید، این وعده‌ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود که تو را جز مؤمن دوست ندارد و جز منافق دشمنت ندارد. همین مسئله را حارث همدانی از دیگر یاران نیز نقل کرده است (همان، ص ۳۵؛ بلاذری، ۱۳۹۴ق، ص ۹۷) و اگر نبود جز حدیث جابر بن عبدالله انصاری که درباره جایگاه برتر امام و فضیلت او از رسول خدا ﷺ پرسید و پیامبر فرمود: «او بهترین فرد بشر است و کسی جز کافر در این باره شک و شبهه نمی‌کند» (همان، ص ۳۴)، محبت به امیرالمؤمنین و دوستی با ایشان در میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله برای آنان بس بود.

اعتقاد خاص یاران امام را به جایگاه برتر و ویژه ایشان در جریان بیعت با او در مسجدالنبی می‌توان نظاره‌گر بود. اینکه چگونه مردم را به بیعت با امام دعوت کرده و البته فضای عمومی را مراعات می‌کند. سخنان خطیب انصاری نشان این است که برخی از انصار با گذشت ۲۵ سال از رحلت رسول خدا ﷺ با جریان سقیفه کنار نیامدند و امام را بهترین گزینه برای رهبری جامعه و جانشینی پیامبر می‌دانستند: «والله یا امیرالمؤمنین... موضع تو بر ایشان مخفی نبوده و شما ناشناخته نبودید. آنان به تو نیاز داشتند، ولی با علمی که تو داشتی، هیچ نیازی به آنان نداشتی... آنچه آنان دارند، تو داری و آنچه تو داری، آنان نداشتند» (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۹).

با دقت در گزارش‌های یادشده از قول یاران امام، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بحث در مورد محبت و دوستی یا دشمنی و بغض امام علی علیه السلام با توجه به سخن رسول خدا ﷺ مسئله مهمی بوده و اصحاب امام در پی این بودند که بحث محبت و دشمنی را به عنوان یک ملاک باور اعتقادی نسبت به جایگاه ایشان در جامعه مطرح کنند.

### ۳-۳. وصایت و جانشینی علی

مسئله جانشینی از مسائل مهمی بود که برخی یاران خاص امام علی علیه السلام به آن اشاره کردند و بر آن تأکید زیادی داشتند و می‌کوشیدند جایگاه وصی بودن او را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم نقل کنند و این مسئله مهم را برای امیرالمؤمنین اثبات کنند. ابن عباس نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله به ام سلمه فرمود: «بشنو و بر آن گواه باش! علی بن ابی طالب، امیرمؤمنان و آقای اوصیا است» (مفید، بی تا، ج ۱، ص ۳۹). روایت دیگر ابن عباس زمانی که به هفت ویژگی خاندان بنی هاشم اشاره می‌کند: «بهترین این امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، وصی او علی بن ابی طالب، از ماست» (همان، ص ۳۲). خذیمه بن ثابت انصاری نیز در اشعار خود به این امر مهم اشاره دارد (همان، ص ۲۸) و حدیث بریده بن خضیب اسلمی که میان دانشمندان مشهور است و دستور پیامبر خطاب به گروه هفت نفری را که او هفتمین آنها بوده، چنین نقل می‌کند: «به علی به عنوان فرمانروا و امارت مؤمنان سلام کنید» (همان، ص ۴۰). همچنین نگاه ویژه جندب بن عبدالله بر برتری امام در جایگاه وصایت و بیان این فضایل برای مردم و بازداشتن او از گفتن حقایق و به خاطر بیان این گونه مسائل در مورد امام علی علیه السلام زندانی شدن او را به دنبال داشت (همان، ص ۲۳۵-۲۳۷) و سخن امام به ابن عباس در مورد بی‌ارزشی جایگاه زمامداری بر مردم مگر اینکه بتواند به وسیله آن حقی را برپا دارد یا باطلی را جلوگیری کند، شاهد بر این مدعاست (همان، ص ۲۳۱). همچنین ابن عباس جایگاه برتر امام را نسبت به خلافت از زبان خودشان در رجب، زمانی که از یادآوری آن دچار ناراحتی شده و آه از سینه برکشید، نقل می‌کند (همان، ص ۲۸۴). پیشمانی زید بن ارقم از کتمان حقیقت سخن رسول خدا در مورد «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً» (همان، ص ۳۵۶) و اظهار ندامت او به خاطر گواهی ندادن بر این جایگاه مهم امام و از دست دادن بینایی خود را معلول همین مسئله دانستن و طلب آمرزش از خدا، از مواردی است که شیخ مفید نقل کرده است (همان، ص ۳۵۳). همچنین طلحة بن عمیر نقل می‌کند که امام علی علیه السلام سوگند داد هر کس این گفتار رسول خدا که فرمودند «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً» را دارد، گزارش دهد و انس بن مالک که در میان مردم بود، این گزارش را نداد و به یک سفیدی در سرش دچار شد (همان، ص ۳۵۲). این نقل فضای خاص آن زمان و نگاه ویژه ناقل را ترسیم می‌کند. ابوذر نیز امیرمؤمنان علیه السلام را صدیق اکبر، فاروق اعظم، وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و وارث علم او معرفی می‌کرد (همان، ص ۲۷).



با توجه به نقل‌های یادشده، می‌توان به این نتیجه رسید که اعتقاد به عصمت امام مقام جانشینی و لزوم اطاعت ایشان در میان اندیشه‌های اصحاب برجسته امیرالمؤمنین علیه السلام وجود داشته است؛ هر چند این واژه در آن دوره کاربرد نداشته است، اما از تعابیر مشابه آنان که از این مقام حکایت می‌کند و نحوه رفتارشان، می‌توان به اعتقاد آنان به عصمت امام اطمینان یافت. البته این تعابیر به آن معنا نیست که همه اصحاب ایشان چنین اعتقادی داشتند. آنچه قابل توجه است، اینکه در میان اصحاب برجسته امیرالمؤمنین که تشیع با نام آنان شناخته می‌شود، این باور را می‌توان یافت.

#### ۴. شجاعت و قدرت امام از نگاه یاران

شجاعت امام علی علیه السلام در جنگ‌های صدر اسلام و حماسه آفرینی امام در نبردهای بدر، احد، خیبر، خندق و... بالاترین فضیلتی است که منابع تاریخی و سیره‌نگاران به آن اشاره کرده‌اند و یاران خاص امام نیز تلاش داشتند این ویژگی را برای دیگر افراد یادآور شوند و او را بهترین فرد برای امامت جامعه معرفی کنند. ابن عباس در حدیثی درباره نبرد احد، شجاعت و مودت امام را چنین ستایش می‌کند: «برای علی بن ابی طالب فضایی است که برای دیگران نیست؛ او نخستین مرد در میان عرب و عجم است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز گذارد؛ او پرچمدار آن حضرت در تمامی جنگ‌ها بود؛ او کسی است در جنگ احد با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردانه تا پایان کار ایستاد و مردم دیگر گریختند» (همان، ص ۷۱-۷۷). همچنین نقل شهامت و ایستادگی امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ احد و شگفتی فرشتگان از زبان عبدالله بن مسعود جالب و شنیدنی است: «فرشتگان نیز شگفت زده شدند. آیا نمی‌دانی که جبرئیل در آن روز به آسمان بالا می‌رفت و فریاد می‌زد: «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (همان، ص ۷۵). مدح و ستایش افرادی دیگری که از یاران نزدیک امام نبودند، هنگام شنیدن این ندای آسمانی از افرادی همچون عکرمه، عمران بن حصین، سعید بن مسیب شایسته توجه است (همان، ص ۷۸-۷۹). نگاه خاص حذیفه بن یمان و سخن او در پاسخ ربیعہ سعدی در مورد امام علی علیه السلام و بیان مقام او و پاداش رویاروی امام با عمرو بن عبدود در کارزار خندق، حکایت از باور به وجود آمده در میان یاران خاص امام است: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر تمام کردار یاران رسول خدا، از آن روزی که مبعوث شد تا به امروز، در یک کفه قرار دهند و کردار علی علیه السلام را در کفه دیگر قرار دهند، هر آینه



کردار علی از همه کردار آنان بالاتر است» و زمانی که برای فرد پرسشگر این سخنان گزافه و غیر قابل پذیرش آمد، حذیفه با ناراحتی گفت: ای فرومایه! چگونه پذیرفته نشود؟ ابوبکر، عمر، حذیفه و دیگر اصحاب کجا بودند در آن لحظه نبرد خندق که عمرو بن عبدود مبارز طلبید؟ تنها علی (علیه السلام) به جنگ با او رفت و به دست توانای او عمرو کشته شد. سوگند به کسی که جان حذیفه به دست اوست، اجر و پاداش علی در آن روز از کردار یاران و پیروان محمد (صلی الله علیه و آله) تا روز قیامت بیشتر است (همان، ص ۹۱). از این گونه گزارش‌ها نقل جابر و ابی عبدالله الجدلی است که از قدرت بی نظیر و ستودنی امام در جنگ خیبر و کندن در قلعه به دست امام خبر داده‌اند (همان، ص ۳۳۴).

## ۵. داوری و قضاوت‌های امام

داوری و قضاوت‌های شگفت‌انگیز امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دوران سه خلیفه از جمله مواردی است که از منظر یاران امام گویای جایگاه برتر ایشان است و با نقل این گونه داوری‌های هیجان‌انگیز مقام بالای امام علی (علیه السلام) را برای دیگر مردم یادآور می‌شدند. نمونه‌هایی را شیخ مفید برای اثبات امامت و جایگاه وصایت برحق ایشان آورده است. اصبع بن نباته قضاوت امام را در مورد فردی که شریح قاضی هم نتوانسته داوری کند، نقل می‌کند (همان، ص ۲۰۴). همچنین ابن ابی لیلی - از دیگر یاران امام - نقل می‌کند که امیرالمؤمنین در جریانی چنان قضاوت کرد که بی سابقه بود و هیچ کس تا آن زمان چنین داوری نکرده بود (همان، ص ۲۱۱).

ابن عباس دانایی امام علی (علیه السلام) را در قضاوت‌ها از زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چنین نقل می‌کند: «علی بن ابی طالب دانشمندترین امت من است و در آنچه پس از من اختلاف کنند، داناتر از همه آنها در داوری کردن است» (همان، ص ۲۹).

## ۶. عصمت امام علی (علیه السلام)

روایاتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که در آنها ایشان، از عصمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ائمه دیگر با واژه عصمت خبر داده است و این روایات را اصحاب امیرمؤمنان و ائمه (علیهم السلام) نقل کرده‌اند یا شأن نزول آیه تطهیر از سوی اصحاب نقل شده است (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۱۳)، اما این بحث به طور

جدی در سخنان اصحاب امیرمؤمنان، علی علیه السلام مطرح نشده است و علت آن هم این است که دوره امامت ایشان، آغاز عصر امامت بود و چالش‌های جدی تری مثل اثبات اصل امامت آن حضرت، ذهن اصحاب ایشان را به خود مشغول کرده بود. با این حال، می‌توان سخنانی از آنان را در این موضوع یافت که به صراحت یا به طور ضمنی از اعتقاد یا عدم اعتقاد به عصمت دارد. اعتقاد افرادی مانند ابوذر، عمار (اسکافی، ۱۴۰۲ق، ص ۳۲۱-۳۲۲)، ابن عباس (خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۰) و ابی‌ثابت مولی به احادیثی مانند «علی همواره همراه حق و قرآن است و از آن جدا نمی‌شود» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۲۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۰؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲، ص ۴۴۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶)، می‌تواند نشان‌دهنده باور آنان به عصمت امیرمؤمنان علیه السلام باشد. همچنین روایت ابوذر از رسول خدا صلی الله علیه و آله که در صورت تمسک و همراهی با علی هرگز گمراه نمی‌شوید، گواه بر این مطلب است (مفید، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷؛ حلبی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰۱). به همین دلیل، این افراد افزون بر آنکه خود همواره همراه و فرمانبر مولای متقیان بودند، دیگران را نیز به پیروی از ایشان ترغیب می‌کردند و کلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را نقل می‌کردند که علی علیه السلام همواره همراه حق و قرآن است و از آن جدا نمی‌شود.

در سخنان سلمان محمدی در خطاب به کسانی که به بروز اشتباه از سوی امیرمؤمنان علیه السلام معتقد بودند، آمده است: علی وصی پیامبر شماست. او دچار گمراهی نشده است... (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۵۶۴). سلمان در گفتار خود از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله که با تمسک به علی علیه السلام هرگز گمراه نمی‌شوید، به صراحت اشتباه و خطا را از امیرمؤمنان نفی می‌کند که این همان اعتقاد به عصمت است. از سخنان عدی بن حاتم نیز می‌توان اعتقاد او به عصمت امام را نتیجه گرفت. او علی علیه السلام را در هر کاری دارای حجت و برهان الهی می‌دانست و از مردم می‌خواست کار خود را به علی علیه السلام بسپارند. اعتقاد به درستی تصمیمات امام و همراهی حجت و برهان الهی با کارهای ایشان، از لوازم اعتقاد به عصمت است (مفید، بی‌تا، ص ۲۹۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۱).

سخنان این گونه‌ای صحابی، اعتقاد آنان به لزوم اطاعت از امام را نیز نشان می‌دهد. دوران امامت امیرمؤمنان به ویژه دوره حکومت ایشان با جنگ‌های مختلف با کسانی همراه بود که از مسلمانان سابقه دار و قاریان قرآن و عابدان روزگار به شمار می‌آمدند. این دوره، دوره شک و تردید برای بسیاری از کسانی بود که با امیرمؤمنان علیه السلام بیعت کرده بودند. از التزام عملی برخی از اصحاب امیرمؤمنان در

همراهی امام در صحنه‌های مختلف و تردید نداشتن در درستی کردار و گفتار ایشان، می‌توان اعتقاد آنان به عصمت را هر چند به طور غیر صریح دریافت. نگرانی جندب بن عبدالله ازدی در نبرد با خوارج و برطرف شدن شک و تردیدش درباره امام، گویای این مسئله است (مفید، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۸). یکی دیگر از این نمونه‌ها رفتار ابورافع است. او از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود. ابورافع به دلیل شنیدن روایتی از پیامبر درباره همراهی امام علی (علیه السلام) با حق، در درستی کارهای ایشان شک نداشت و در رکاب ایشان در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان جنگید (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲؛ نجاشی، همان، ص ۵). در میان اصحاب غیرمشهور امام نیز می‌توان افرادی را یافت که گاه در درستی رفتار امام شک می‌کردند. ابوثابت، غلام ابوذر، از این افراد است. او در جنگ جمل با دیدن عایشه در جبهه مقابل خود، در درستی همراهی خود با علی (علیه السلام) شک کرد، اما این شک دیری نپایید و بر درستی کار خود ثابت قدم گردید. او این ماجرا را برای ام سلمه همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرد. ام سلمه بر لزوم استواری او در همراهی علی (علیه السلام) تأکید و برای او حدیثی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرد که بر همراهی علی با قرآن دلالت داشت (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۲۶ و ۵۰).

این نقل می‌رساند که مسئله عصمت امام برای ابوثابت شناخته شده نبود یا او در عمل به آن توجه نکرده است؛ اما از رفتار و گفتار ام سلمه می‌توان اعتقاد به عصمت را برداشت کرد؛ هر چند از تعبیر عصمت استفاده نشده است. ابوزینب ازدی در درستی جنگ با اصحاب جمل تردید داشت و از امام با قسم پرسید: آیا این جنگ درست است و ما برای حق می‌جنگیم؟ و امام (علیه السلام) به او اطمینان داد (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵۴۲؛ مفید، بی تا، ص ۱۴۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۸۰). رافع بن سلمه در جنگ صفین با امام همراه بود؛ اما پس از آنکه امیرالمؤمنین حکمیت را پذیرفت، از امام برائت جست و متحیر بود؛ به همین دلیل امام را با عنوان امیرمؤمنان خطاب نکرد. بعد از خبر دادن امام از حوادث آینده جنگ و تحقق آن اخبار، او به امامت حضرت ایمان آورد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۴۱۹). آنچه در برخی گزارش‌ها آمده است، نمونه‌هایی از تردید برخی افراد در عصمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را نشان می‌دهد. البته دیدگاه این افراد در برابر دیدگاه اکثریت اصحاب برجسته آن حضرت قرار دارد. در این مطلب که افرادی مانند سلمان، ابوذر، عمار، مالک و مانند آنها از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین بودند، تردیدی نیست. بنابراین، روشن است که دیدگاه آنان را باید جریان اصلی تشیع قلمداد کنیم؛

نه کسانی را که از افراد عادی و عامی به شمار می‌آمدند. افزون بر آن، نباید از یاد برد که فتنهٔ جمل، صفین و نهروان آن قدر سنگین و غیر منتظره بود که برای برخی از افراد که به جایگاه امام علی علیه السلام نیز معترف بودند، در درستی این جنگ‌ها تردید ایجاد شد. از این رو، بسیاری از این تردیدها، شک در مقام و جایگاه امام نیست؛ بلکه برخاسته از شدت فتنه بود. آنان در مقابل خود کسانی را می‌دیدند که ادعای مسلمان بودن داشتند و حتی برخی از آنان از بزرگان صحابه به شمار می‌آمدند. این افراد از سویی عظمت و مقام امام را می‌دیدند و از سوی دیگر، احتمال آلوده شدن دستانشان به خون مسلمانان را در نظر می‌گرفتند و بدین دلیل گرفتار تحیر و تردید می‌شدند.

### نتیجه‌گیری

با مرور روایات نقل شده از اصحاب امام علی علیه السلام در کتاب *الارشاد* شیخ مفید و منابع معتبر چند قرن اولیه، می‌توان به این نظر دست یافت که دیدگاه کنونی اکثریت شیعه در مورد علم، برتری، قدرت، عصمت امام برگرفته از دیدگاه اصحاب برجسته ایشان در دوران اولیه همانند سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و... و ادامه دهنده چنین اندیشه و تفکری است؛ چرا که آنان از علم ویژه امام، هدایت‌یافتگی، داوری و قضاوت درست، قدرت و دلاوری‌های امام در جنگ‌ها آگاه بودند و سخنان او را واجب‌الاطاعة می‌دانستند. چنان که اعتقاد به عصمت آن حضرت را نیز می‌توان در میان سخنان آنان یافت. همچنین بر اساس یافته‌های این تحقیق با توجه به گزارش‌هایی در کتاب *الارشاد* شیخ مفید، اصحاب امام تلاش داشتند با نقل جایگاه علمی امام، فضایل، مناقب، داوری‌ها و معجزات، امامت و رهبری ایشان را با توجه به این ویژگی‌ها در سطح جامعه برای مردم بیان کرده و امیرالمؤمنین علیه السلام را بهترین فرد برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از رحلت ایشان معرفی کنند.



## منابع

١. ابن نديم، محمد بن اسحاق (١٣٨١ش)، *الفهرست ابن نديم*، تحقيق رضا تجدد، تهران: انتشارات اساطير.
٢. ابن ابي الحديد، عز الدين (١٤٠٤ق)، *شرح نهج البلاغة*، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، قم: دار الكتب العلمية.
٣. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (١٤٠٤ق)، *تهذيب التهذيب*، [بي جا]: دار الفكر.
٤. \_\_\_\_\_ (١٣٩٠)، *لسان الميزان*، چاپ سوم، بيروت: مؤسسه الأعلمی الاسلامیة.
٥. ابن شهر آشوب، محمد بن نعمان [بي تا]، *معالم العلماء*، قم: [بي نا].
٦. \_\_\_\_\_ (١٣٧٦ق)، *مناقب آل ابي طالب*، نجف: المكتبة الحيدرية.
٧. ابن عساکر، علي بن حسين (١٤١٥)، *تاريخ مدينة دمشق*، تحقيق علي شيرى، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
٨. ابن عقده الكوفي، احمد بن محمد (١٤١١ق)، *الفتوح*، تحقيق علي شيرى، بيروت: دار الاضواء للطباعة والنشر والتوزيع.
٩. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٨ق)، *البداية والنهاية*، تحقيق علي شيرى، بيروت: دار الاحياء التراثي العربي.
١٠. المنقري، نصر بن مزاحم (١٣٨٢ق)، *وقعة الصفين*، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قاهره: مؤسسة العربية الحديثة للطبع والنشر والتوزيع.
١١. اسكافي، محمد بن عبدالله (١٤٠٢ق)، *المعيار والموازنة*، تحقيق محمد باقر محمودي، [بي جا]: [بي نا].
١٢. بلاذري، احمد بن يحيى (١٣٩٤ق) *انساب الاشراف*، تحقيق محمد باقر محمودي، بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
١٣. حلبى، ابوالصلاح (١٤٠١ق)، *تقريب المعارف*، تحقيق فارس تبريزيان الحسون، [بي جا]: المحقق.
١٤. حلى، تقى الدين داود (١٣٩٢ق)، *الرجال ابن داود*، نجف: المطبعة الحيدرية.
١٥. حموي، ياقوت [بي تا]، *معجم البلدان*، بيروت: دار احياء التراث العربي.
١٦. خزاز قمى، علي بن محمد (١٤٠١ق)، *كفاية الاثر*، تحقيق عبدالطيف الحسيني، قم: انتشارات بيدار.
١٧. خطيب بغدادى، احمد بن علي (١٤١٧ق)، *تاريخ بغداد*، تحقيق مصطفى القادر عطاء، بيروت: دار الكتب العلمية، محمد علي بيضون.
١٨. ذهبى، محمد بن احمد (١٤١٣ق)، *سير اعلام النبلاء*، تحقيق علي محمد بجاوى، بيروت: دار الرسالة.
١٩. صدوق، محمد بن علي (١٤١٧ق)، *الامالى*، قم: مؤسسة البعثة.
٢٠. طوسى، محمد بن حسن (١٣٦٥)، *تهذيب الاحكام*، تحقيق سيدحسن خراسان، تصحيح محمد آخوندى، تهران: دار الكتب الاسلامية.
٢١. \_\_\_\_\_ (١٤٠٧ق)، *الخلاف*، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
٢٢. \_\_\_\_\_ (١٤١٧ق)، *الفهرست*، تحقيق جواد قيومي، قم: مؤسسة النشر الفقاهه.
٢٣. \_\_\_\_\_ (١٤١٤ق)، *الامالى*، قم: دار الثقافة للطبعة والنشر والتوزيع.
٢٤. مفيد، محمد بن نعمان [بي تا]، *الارشاد*، ترجمه هاشم رسولى محلاتى، [بي جا]: انتشارات علميه اسلاميه.
٢٥. \_\_\_\_\_ [بي تا]، *الجمال والنصرة*، قم: مكتبة الداورى.
٢٦. \_\_\_\_\_ [بي تا]، *المسائل الصاغانيه*، تحقيق سيد محمد قاضى، [بي جا]: مطبعة مهر ناشر الاموتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد.
٢٧. نجاشى، احمد بن علي (١٤١٦ق)، *رجال نجاشى*، تحقيق موسى شيرى زنجانى، چاپ پنجم، قم: مؤسسه نشر اسلامى.
٢٨. يعقوبى، احمد بن ابي يعقوب [بي تا]، *تاريخ يعقوبى*، بيروت: دار صادر.



